

بررسی اقسام مهریه در فقه تشیع و اهل تسنن

نویسند: وحید الرحمن "مدقق"^۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

چکیده

مهریه در فقه اهل تسنن به پنج قسم مهرالمسمی، مهرالمثل، مهرمتعّه، مهر مؤجل و مهر معجل تقسیم می شود. اما در فقه اهل تشیع به سه قسم مهرالمسمی، مهرالمثل و متعه: مهرالمسمی مهری است که در عقد ازدواج تعیین میشود یا بعد از عقید (در صورت نبودن مهرالمسمی در عقد) به وسیله زوجین تعیین می گردد. مهرالمثل، مهری است که برای تعیین آن مراجعه می شود. در موارد زیر مهرالمثل واجب می شود. ۱. در عقد صحیح، مهر تعیین نشده باشد. ۲. در عقد، به امثال و همانندهای زن عدم مهر شرط شده باشد، ۳. مهر تعیین شده در عقد فاسد باشد، در صورتی که آمیزش به شبهه شده باشد. آنچه به عنوان مهر تعیین می شود باید شرایط زیر را داشته باشد: مالیت داشتن، پاک بودن مهر و صحت انتفاع از آن، مغضوب نبودن، مجهول نبودن. مهر ممکن است به سبب عقید صحیح واجب شود و ممکن است با آمیزش در نتیجه نکاح صحیح یا فاسد یا شبهه واجب شود. در پنج مورد مهر تأکید شده و احتمیال سقوط از بین می رود: آمیزش، خلوت صحیح (آمیزش حکمی)، فوت یکی از زوجین، رجوع در عده، ازالة بکارت. در موارد زیر در صورتی که جدایی بین زوجین قبل از آمیزش (حقیقی یا حکمی) واقع شود کل مهر ساقط می گردد: سبب جدایی زوجه باشد، سبب جدایی ولی زوجیه باشید، فسخ توسط زوج قبل از آمیزش، بخشش کل مهر به زوج، ابراء ذمه زوج نسبت به مهر. در دو حالت زیر مهر تنصیف می گردد: طلاق قبل از آمیزش، جدایی به سبب زوج قبل از آمیزش.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه خانواده، گروه فقه اسلامی، دانشگاه مجازی المصطفی (ع)، قم، ایران

نظام حقوقی اسلام بنا بر فقه مذاهب پنجگانه آن (شیعه، شافیه، حنابله، حنفیه، مالیکه) امتیاز های مالی ویژه را برای زوجہ در نظر گرفته است که در مقایسه با نظام های حقوقی غربی تقریباً منحصر به فرد می باشد از جمله امتیازهای مهریه است.

واژه گان کلیدی: مهر، اقسام، فقه تشیع، تسنن، المسمی، المثل، السنه، متعه.

مقدمه

برای مهریه تعاریف مختلفی بیان کرده شده است که برخی مهر را مالی دانسته اند که در عقد نکاح در مقابل استمتاع از زوجہ به وی پرداخته می شود، همچنان در آمیزش به شبهه یا نکاح فاسد نیز مهر پرداخته میشود. (الجزیری، ۲۶۱).

برخی دیگر مهر را هدیه لازم دانسته اند نه عوض در مقابل استمتاع (ابوزهره). برخی مهر را مال دانسته اند که زوجہ با عقد یا آمیزش حقیقی مستحق میگردد. (بدران ۱۸۱)، برطبق این تعریف مهر حقی است برای زوج در برابری زوج پرداخت مهر به زوجہ واجب است

از جمله رسومات رایج در جامعه ما تعیین میزان مهریه توسط اولیای دختر باهم فکری خانواده پسر است، و در چانه زنی های موجود درین میان دختر و پسر از اظهار نظر مؤثر محروم اند، اما آن گونه که عنوان شد دین مقدس اسلام خط بطلانی برای این رسم کشیده و تعیین مهریه را منحصرآ به رای و رضایت کامل دختر منوط دانسته است، هرچند که تحت ولایت ولی خود باشد از حیث حقوقی نیز تعیین مهریه توسط خانواده و بدون جلب رضایت طرفین عقد، فضولی و غیر نافذ محسوب می شود که ثبوت آن به رضایت ایشان بستگی دارد و نظر خانواده ها در این موضوع منشأ اثر نیست، چراکه اولیای عقد زوج و زوجہ هستند و ایدان برای صحت عقد لازم است.

در این که شایسته است میزان مهریه زیاد باشد تردید نیست. سفارش به سبک گرفتن مهریه در دین اسلام را می توان از آیات زیر استنباط کرد: پیامبر (ص) می فرماید: **افضل النساء امتی**

اصبحهن وُجها وَاقلهن مهرا. بهترین زنان امت من زیباترین و کم ترین مهرترین آن هاست. صدوق، فرمودند: خَيْرُ الصَّدَاقِ اَيَسْرُه: بهترین مهریه سبک ترین آن است (المتقى الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶:۳۲۰). حضرت علی (ض) می فرمایند: لَا تَغَالُوا بِمَهْرِالنِّسَاءِ فَتَكُونُ عِدَاوَةً: برای زنان مهریه های سنگین قرار ندهید که این ایجاد عداوت می کند. (حرعلی، ج ۱۵:۱۱)

امام صادق (ع) فرمودند: اما شوم المراه فکشره مهرها و عقوق زوجها. شومی و نا خجستگی زن زیاد بودن مهریه او و نافرمانی از شوهرش می باشد (الصدوق ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۲).

روش تحقیق:

نوع تحقیق تلفیقی از نقلی و عقلی است، به عبارت دیگر در این تحقیق، جستجو و تحصیل انشاء استفاده از روش عقلانی، استدلال، تفسیر و استنباط از متون فقهی صورت گرفته است.

مبانی نظری پژوهشی (تبیین واژه گان کلیدی): بررسی اقسام مهر در فقه، تشیع، فقه، اهل تسنن.

فقه : دانش به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی است

تعریف معروف: فقه در اصطلاح عبارت است از: روشی که به وسیله آن احکام شرعی را از ادله تفصیلی به دست می آوریم. «دلایل تفصیلی» از نظر بیشتر علمای مسلمان عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل.

اقسام احکام شرعی

۱. احکام اصلی: باورهایی که یک فرد مسلمان از طریق استدلال عقلی آن‌ها را بدست می‌آورد. این باورها را مسلمانان در دانش عقائد بررسی می‌کنند.
۲. احکام فرعی: بخش عمده آن نحوه انجام مناسک دینی و مناسبات اجتماعی است و بخش دیگر آن که احکام فقهی نام دارد به هر کاری یکی از پنج حکم فقهی را نسبت می‌دهد؛ که مسلمانان آن را در دانش فقه بررسی می‌کنند. برای بدست آوردن احکام (اعم از اصلی و فرعی) به‌کارگیری علوم مختلفی لازم است، که از آن‌ها به عنوان مقدمات اجتهاد نام می‌برند. (جواد املی؛ عبدالله (۱۳۸۵) دین شناسی، قم، اسراء).
- سنت: سنت در فقه شیع شامل رفتار، کردار، افعال و سخنان پیامبر (ص) و امام مان معصوم می‌باشد. (محمد رضا، اصول فقه دانشگاهی، نشر لقاء، قم - ایران، اول، ۱۳۹۲ ه.ش).
- اما سنت در فقه اهل تسنن تنها شامل رفتار، کردار، افعال و سخنان پیامبر (ص) می‌باشد. (انوری، محمد جواد، «اصول خمس»، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۲۷۹ تا ۲۸۲).
- مهر: مهریه یا به شکل کهن‌تر آن، کابین به مالی گفته می‌شود که مرد در هنگام وقوع عقد نکاح اسلامی به زن خود می‌پردازد یا مکلف به پرداخت آن می‌شود. مهریه واژه‌ی عربی و کابین واژه‌ای فارسی است. که مهریه اقسام مختلفی تقسم که در جریان مباحث به آن می‌پردازیم. (ساختار اجتماعی - حقوقی مهریه ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵).

تعریف مهریه:

۱ - (مهریه در لغت:

مهر به فتح میم واژه عربی است که معادل آن در زبانی فارسی به معنی کابین آمده است، مهر است که در متون اسلام به صداق، نحله، اجر و غیره موارد اطلاق شده است، مالی است که مرد قبل از عقد نکاح آن را باید به زن بدهد یا توافق هردو بعد از عقد نکاح مهریه را به زن تسلیم نماید. یعنی رضایت زوجین مطرح است بالخصوص زوج. (صفایی ح، امامی ع.ع قانون خانواده مختصر تهران ناشر میزان ۲۰۱۴، حقوق خانواده. تهران: ناشر سهامی ۲۰۱۴).

یا به عباره دیگر مهر واژه ای عربی و مصدر است، «مهر»، «یمهر» مهر از لحاظ لغوی به معنای عوض ۱ به کار رفته است (بطرس البستانی، محیط المحيط قاموس مطول للغة العربیة، به نقل از پولادی، ۱۳۸۱ ص ۲۸) برای مهریه کلمات مترادف فراوانی ذکر شده است که از آن جمله صدق ۲، نحلّه، فریضه، اجر، صدقه و ... است. در قرآن کریم واژه مهر به کار نرفته، بلکه مترادف های آن استعمال گردیده می گویند. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳ و پولادی، همان، ص « کابین » است. در فارسی به مهر ۲۸).

۱-۱) مهریه در اصطلاح:

در یک تعریف کلی، مهر یا صدق عبارت از مالی است که به واسطه ازدواج، مرد به زن می پردازد (سعدی، ۱۰۱۱ ه، ج ۱، ۹۰۱) و مطابق تعریفی جامع تر، مهر حق مالی است که در عقد ازدواج صحیح یا دخول به شبهه یا بعد از عقد فاسد، قانون گذار مرد را مکلف به (پرداخت آن به زن کرده است. (شبلی ۱۹۷۷، ص ۳۳۹، دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۶۵).

یابه عباره دیگر مهر عبارت از مالی است که مرد به هنگام عقد ازدواج، برعهده می گیرد. مهریه حق زن است و او می تواند بلافاصله پس از عقد آن را از شوهرش مطالبه کند. چون این حق پس از فوت زن به ورثه او می رسد و آنان می توانند آن را از مرد قبض کنند. تعیین نشدن مهر قبل از ازدواج موقت به (فتوای بیشتر مراجع) باعث باطل شدن آن می شود. قرآن کریم به مردان توصیه می کند که مهریه زنان را با رضایت کامل پرداخت کنند و حق ندارند در صورت نارضایتی زن را آزار دهند تا از مهریه خود صرف نظر کنند یا بخشی آن را نه گیرند.

براساسی فلسفه اولیه مهریه، نوع هدیه، نحلّه، پیشکش، اعطای بدون عوض و از روی صداقت (صدق) به صورت نقدی با تاکید بر معادل و ویژگی معنوی و فرامادی آن بوده است.

قرآن کریم مهر زن را {صداق} نامیده است، زیرا که پرداخت مهریه نشان صدق ادعای مرد در عشق علاقه به خانمش است.

واژه نحل به گفته راغب اصفهانی از {نحل} گرفته شده به معنی زنبوری عسل است. چون زنبور عسل بدون توقعی عسل خود را می بخشد، واژه نحل دلالت دارد که فلسفه مهریه، تقدیمی، پیش کشی عطیه و هدیه است. براساس برخی منابع فقه اسلامی مانند جواهر الکلام، مهریه که زوج به زوجه می پردازد، در حقیقت عوض حق بهره بردن از بضع [آلات زنانگی] است در اسلام حق مهریه متعلق به خودی زن است نه والدینش یا هر شخصی دیگری (تفسیر نمونه (جلد ۳) دار لکتب الاسلامیه، ص. ۲۶۵).

۱-۲) **فقه‌های امامیه:** مستند به برخی روایات وارده مهر را هر آن چیزی میدانند که زوجین بر آن توافق کنند اعم از اینکه زیاده باشد یا کم، (طوسی، ۱۴۰۰، ۱۳۶۴، ۱۴۰۷ و ۱۳۸۷ نجفی، ۱۳۷۴: ج ۳۱، ص ۳)، زیرا خداوند صداق را واجب کرده است، بدون آنکه برای آن حداقل یا (حداکثری قرار دهد. مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۰).

۲) اقسام مهریه در فقه اهل تشیع قرار ذیل می باشد:

مهریه به انواع مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعه تقسیم شده است و شق چهارمی وجود ندارد؛ آن چه برخی نویسندگان (ابراهیم قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶؛ جعفرزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۱۴) تحت عنوان مهرالسنه آورده اند، در واقع نوع مستقل و خاصی از مهریه نیست و ماهیتاً همان مهرالمسمی است. (محقق داماد، ۱۳۹۳ ص ۲۷۳).

۱-۲) **مهرالمسمی:** مهر المسمی مهر است که زوجین قبل از انعقاد عقد نسبت به مقدار و میزان آن توافق نموده و آن را در عقد ذکر می کنند، یا پس از عقد بر روی مقدار معینی توافق می کنند. مهر باید بین زوجین تا حدی که رفع جهالت دوطرف شود معین و مشخص باشد نه این که یک چیزی مبهم و گنگ باشد. (بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱، ص).

به عباره دیگر مهرالمسمی مهری است که در عقد نکاح، نوع و مقدار آن معین شده و یا تعیین آن به عهده شخص ثالثی نهاده شده باشد. مهرالمسمی نیز همانند مهرالمتعه از آثار عقد نکاح

می باشد و نویسندگان نیز عمدتاً آن را ذیل آثار مالی نکاح مطالعه کرده اند. طبیعتاً عقد وقتی می تواند تولید اثر کند که از نظر حقوقی صحیح واقع شده باشد؛ در حالی که شرط اولیه قاعده مانحن فیه این است که زن، تن به زنا دهد و اساساً فرض قاعده، مربوط به نکاح صحیح بین طرفین نیست؛ لذا مهرالمسمی نیز خروج موضوعی از قاعده دارد. بر این اساس، اگرچه ممکن است دو نفر برای فعلی که حقیقتاً زنا تلقی می شود، بر مال مشخص و معینی تراضی کنند و حتی بین خودشان بر آن عنوان مهریه نیز قرار دهند، ولی با کشف بطلان نکاح و تحقق زنا، قرارداد تبعی مهر نیز باطل می شود و برای زانیه مهری نیست. (حقوق مدنی خانواده، چاپ دوم، ۱۹۳۵، ص ۱۹۶).

۲-۲) شرایط مهرالمسمی: ۱- دارای ارزش مالی واقتصادی باشد ۲- مشخص و معلوم باشد ۳- قابل تملک و نقل و انتقال باشد ۴- دارای منفعت عقلایی و مشروع باشد ۵- معین و تصریح شده باشد ۶- زوج قدرت تسلیم مهریه را داشته باشد.

۲-۳) ب: مهرالمثل

مهرالمثل عبارت از مقدار مالی است که به عنوان مهر برای امثال و اقربان زن در نکاح معین می شود و به طور کلی در تعیین مهرالمثل آن چه مورد رغبت و تمایل در ازدواج زن است ملحوظ می شود (امامی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۱۹). برخلاف مهرالمتع و مهرالمسمی، موجبات پرداخت مهرالمثل (محدود به نکاح صحیح نیست. مواردی وجود دارد که بدون آن که نکاحی صحیح بین زن و مرد باشد، مرد مکلف به دادن مالی تحت عنوان مهرالمثل به زن است. به عبارتی دیگر مهرالمثل قبل از آن که اثر عقد باشد، عوض و طی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۵۶۲) بدین ترتیب ظهور واژه مهر در قاعده به معنای مهرالمثل قوت می گیرد؛ زیرا اگر شرط اصلی اعمال قاعده یعنی رضایت زن به نزدیکی با مرد، منتفی باشد و یا اگر زن از فساد نکاح آگاهی نداشته باشد، وی مستحق مهرالمثل است. (شیخ الاسلامی، بررسی فقهی و حقوقی حقوق خانواده، ۱۳۸۲، ص ۵۶۲).

۲-۴) ج: مهرالمتعه:

مهرالمتعه مهری است که در نکاح مفوضه البضع، زوج به زوجه مطلقه اش که با وی نزدیکی نکرده است، می‌پردازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۷۰۲). ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی در این خصوص بیان می‌دارد هر گاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق ده، زن مستحق مهرالمتعه است. برای تعیین مقدار تعیین مهر مهرالمتعه، به اوضاع و احوال مرد از حیث میزان متمول بودن وی نگاه می‌شود. (ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۴، ص ۷۰۲).

۳) مهریه - مهر واژه ای عربی و معادل آن در فارسی کابین است.

در تعریف مهریه می‌توان گفت: مهریه عبارت از مالی است که شوهر برای نکاح به زن تملیک می‌کند؛ منتها مالکیت زن بر مهر، هنگام عقد، به نصف آن متزلزل خواهد بود و در صورتی استقرار پیدا خواهد کرد و زوج ملزم به پرداخت تمام آن خواهد گردید که نزدیکی حاصل شده و یا شرایط دیگری محقق شده باشد.

۳-۱) اقسام مهریه به گزارش پایگاه خبری داورگاه:

مهریه ۵ نوع می‌باشد: ۱- مهرالمسمی؛ ۲- مهرالمثل؛ ۳- مهرالسنه؛ ۴- مهرالمتعه؛ ۵- مهر الموفضه.

۳-۱) مهرالمسمی:

عبارت است از مال معینی که با عنوان مهر با توافق زوجین و یا به وسیله شخص ثالثی که از طرف آنها انتخاب شده است، تعیین می‌شود. این مال ممکن است به یکی از صور عین معین، منفعت عمل و یا حق باشد.

۳-۲) مهرالمثل

مهر امثال و اقران زوجه را مهرالمثل می‌گویند. غیر از مواردی که در عقد نکاح مهری ذکر نمی‌شود و نزدیکی رخ نمی‌دهد، در موارد زیر نیز زن حق مطالبه مهرالمثل را خواهد داشت:

اول: مهری که در عقد ذکر شده، مجهول بوده و یا مالیت نداشته باشد.

دوم: عدم مهر شرط شده باشد و قبل از تراضی بر مهر معین بین زن و شوهر نزدیکی واقع شود.

سوم: زن به فساد نکاح جاهل بوده و نزدیکی واقع شده باشد.

۳-۳) مهرالمتعه:

متعّه در لغت یعنی بهره مند شدن و لذت بردن؛ و اصطلاحاً در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی و قبل از تعیین مهر، زن مستحق مهرالمتعه خواهد بود. پس سه شرط برای تعلق مهرالمتعه به زن لازم است:

اول: در عقد مهری ذکر نشده باشد و بعد از زوجین آن را تعیین نکرده باشند؛

دوم: نزدیکی و مقاربت واقع نشده باشد؛

سوم: جدایی از طریق طلاق باشد، نه به واسطه فسخ یا مرگ یا لعان، که در این صورت نه مهر و نه متعه به زن تعلق نمی گیرد.

۳-۴) مهرالسنه:

مهرالسنه عبارت از مهری است که رسول خدا (ص) آن را مهر جمیع زوجات خود فرمودند. مقدار مهرالسنه به نظر جمیع فقها درهم بوده، که معدل ۵/۲۶۲ مثقال پول نقره مسکوک (هر مثقال ۲۴ نخود) است. در واقع مهرالسنه از اقسام مهرالمسمی است ولی چون در ادبیات حقوقدانان بدین شکل تفکیک شده است، این عنوان به صورت مستقل آمده است.

۳-۵) تفویض مهر:

در نکاح مفوضه المهر عقد صحیح است، در حالی که مقدار مهر به واسطه تفویض، (اجازه تعیین مقدار مهر) به یکی از زوجین و یا شخص ثالث واگذار می شود، به زنی که بدین صورت عقد می شود، مفوضه المهر گویند. (اختصاصی داورگاه - برگرفته از کتاب مطالبات زوجه و روش وصول آن).

۴) اقسام مهر در فقه اهل تسنن:

۱- ۴) **مهرالمسمی**: عبارت از مهری است که اندازه و مقدار آن با رصایت کامل طرفین (زوج و زوجه) و یا نماینده گان قانونی ایشان در هنگام انعقاد ازدواج و یا احیاناً بعد از تعیین و تحدید شده باشد.

طویکه از تعریف فوق برمی آید مهرمسمی در دو حالت مطرح بحث قرار گرفته است: یکی از این حالات، زمانی صورت می‌گیرد که طرفین براضایت کامل اندازه آن را در هنگام عقد ازدواج تعیین و مشخص کرده باشد. دومی زمانی مطرح بحث قرار می‌گیرد که زوجه اختیار تعیین مهر را به زوج یا شخص سوم واگذار نموده باشد، که در این حالت زوج بعد از انعقاد عقد و قبل از مباشرت جنسی مکلف می‌گردد تا اندازه و مقدار آن را معین و مشخص سازد.

باید خاطر نشان ساخت که مهر مسمی توسط طرفین ازدواج قابل تزیید و تنقیص نیز می‌باشد. (سوره نساء آیه ۲۴). (خلاصه مسایل فقه حنفی، ج ۲، ص ۲۳، شیخ الاسلامی، ۲۳۲، ۲۷۰-۲۷۲، حقوق فامیل، ج ۲، ص ۳۳-۴۱-۴۴).

۴- ۲) **مهرالمثل**:

مهرالمثل یعنی مهریه‌ای که زن استحقاق دریافت آن را پیدا می‌کند و مانند مهریه زنی است که بهنگام عقد از نظر سن و زیبایی و مال و عقل و دین و دوشیزگی و عدم آن و شهر و سرزمین و داشتن فرزند و نداشتن فرزند و امثال آن درست مثل او است چون عادتاً ارزش مهریه و مقدار آن با توجه بدین صفات تعیین می‌گردد و این صفات در مقدار مهریه موثرند. آنچه که در مهرالمثل از نظر خویشاوندانش معتبر است آنست که مانند خواهرش و عمه‌اش و دختران عمویش باشد. احمد گفته است در مهرالمثل خویشاوندان «عصبه» و «ذوی‌الارحام» معتبرند، اگر از خویشاوندانش زنی نباشد که متصف بصفات او باشد برای تعیین مهرالمثل زن بیگانه‌ای از خانواده همانند خانواده پدرش در نظر گرفته می‌شود. (خلاصه مسایل فقه حنفی، ج ۲، ص ۲۳، شیخ الاسلامی، ۲۳۲، ۲۷۰-۲۷۲، حقوق فامیل، ج ۲، ص ۳۳-۴۱-۴۴).

۴-۳) مهرالمتعّه:

متعّه یک اصطلاح عربی بوده، از نگاه لغوی به آن چیزی اطلاق می شود که از آن نفع اندک برده شود و دوامدار نباشد.

انگاه اصطلاحی متعه عبارت از آن چیزی است که برای زن بعد از طلاق داده شده و شامل لباس و مانند آن می باشد. اصطلاح متعه برای زنان به خاطری اختصاص یافته است که وی از متعه نفع می برد، برای زوجه در صورت واجب شناخته می شود که تفریق میان زوجین قبل از مباشرت جنسی و خلوت صورت گرفته باشد مشروط براین که مهر در عقد ازدواج به صورت صحیح و با رعایت شرایط صحت آن مسمّا نشده باشد. (خلاصه مسایل فقه حنفی، ج ۲، ص ۲۳، شیخ الاسلامی، ۲۳۲، ۲۷۰-۲۷۲، حقوق فامیل، ج ۲، ص ۳۳-۴۱-۴۴).

۴-۴) مهریه نقدی و مهریه نسیه ای (مهر معجل و مؤجل)

مهر معجل: مهری است که به توری کامل و یک باره گی دریافت می شود. (فقه السنه، ج ۱، ص ۱۲۵۷).

مهر مؤجل: مهریه دوامدار عبارت از مهر است که زوج ظرف مدت معینی پرداخت نماید. الشیخ، (فقه السنه، ج ۱، ص ۱۲۵۷).

مهریه را می توان بصورت نقدی یا نسیه ای قرار داد یا اینکه بعضی از آن نقد و بعضی دیگر وعده دار باشد، همانگونه که عرف و عادت مردم محل است، رفتار می شود.

پرداخت قسمتی از مهریه بصورت نقدی مستحب و پسندیده است. چون از ابن عباس روایت شده است که پیامبر ص علی ابن ابی طالب را پیش از آنکه چیزی به فاطمه پرداخت کند از زفاف با او، منع نمود. علی گفت: چیزی ندارم حضرت محمد فرمود پس زره «حطمی» شما کجا است؟ علی آن را به فاطمه داد. بروایت ابوداود و نسائی و حاکم که آن را «صحیح» دانسته است. ابوداود و ابن ماجه از عایشه روایت کرده اند که گفت: «پیامبر ص به من امر کرد که زنی را به نزد شوهرش ببرم، قبل از آنکه چیزی را به وی بدهد». از این حدیث بر می آید که شوهر پیش از

آنکه چیزی از مهریه را به همسرش بدهد می‌تواند با وی همبستر گردد، و حدیث ابن عباس می‌رساند که مستحب است پیش از آنکه با وی همبستر گردد، مبلغی از مهریه را پرداخت کند. اوزاعی گفته است: مردم می‌پسندیدند، که پیش از آنکه شوهر بر زن وارد شود، چیزی را به وی بدهد. زهری گفته: بما رسیده است که سنت آنست پیش از آنکه به نزد زن برود نفقه یا لباسی را به وی تقدیم کند و عمل مسلمانان بر این رویه بوده است.

صاحب محلی این رای را مورد بررسی و مناقشه قرار داده و گفته است:

«هیچ کس از مسلمین در این امر مخالفتی ندارد که از زمان اجرای صیغه عقد نکاح، زن همسر مرد می‌شود و هر دو برای همدیگر حلال هستند، هرکس مانع نزدیکی مرد به زن شود، تا اینکه مهریه یا غیر آن را می‌پردازد، او مانع وصلت بین زن و مرد شده است بدون اینکه دلیلی از کتاب خدا یا سنت رسول خدا داشته باشد. ولی حقیقت آنست که نباید هیچکدام از حق خود محروم و ممنوع شوند، پس مرد حق نزدیکی را دارد، خواه زن بخواهد یا نخواهد و زن حق گرفتن مهریه خود را دارد، مرد بخواهد یا نخواهد». پیامبرص این سخن را پذیرفته است: «أعط كل ذي حق حقه» «حق هرکس را به وی بدهید»، (فقه السنه، ج ۱، ص ۱۲۵۷).

۵) مقدار مهر در فقه اهل تشیع:

در فقه اهل تشیع دو نظر در خصوص مقدار مهریه موجود است:

الف: برخی بر این عقیده اند که میزان مهر نباید بیشتر از مهر السنه یعنی پانصد دینار باشد. ایشان در توجیه ادعای خود ضمن استناد به روایت مفضل از امام جعفر صادق ۷ که میگویند از حضرت در مورد مقدار مهریه ی زن که نباید سنت محمدی ۵۰۰ درهم است: «از آن تجاوز گردد سؤال کردم. ایشان فرمودند

پس کسی که بیشتر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر بازگشت داده میشود (حر عاملی ۱۴۱۰: ج ۱۳، ص ۱۱۰) و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست استدلال می‌کنند چون سنت حضرت رسول خدا بر این بوده که مهریه ی زنان خود را ۵۰۰ درهم قرار دهد و با توجه به

اینکه مهر هم تابع احکام شرع است، پس در صورتی که مهریه بیشتر از آنچه گفتیم تعیین شود، چون اجماعی بر اینکه مازاد جزء مهریه تلقی شود وجود ندارد و دلیل شرعی دیگری نیز در این خصوص نیست، نفی زیاد از ۵۰۰ درهم واجب میشود (سید مرتضی ۱۹۹۴: ص ۱۲۴)

ب: برخلاف این نظر که اقلیتی از فقهای امامیه به آن قائل اند، اکثر فقهای شیعه عقیده دارند که برای مهریه حداکثری وجود ندارد (نجفی ۱۴۱۴: ج ۳۱، ص ۱۴ جبعی عاملی ۱۳۷۰: ج ۵، ص ۴۸۹). دلایل ایشان برای اثبات این ادعا بدین شرح است: اول قرآن، آیه ی بیستم سوره ی نساء می فرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم قنطارا فلا تأخذوا منه شیئاً. تأخذونه بهتاناً و اثماً میناً»

اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید، نباید چیزی از مهر او را پس بگیرید. آیا با تهمت زدن به زن مهر منظور از قنطار مال عظیم است». او را می گیرید؟ و این گناهی آشکار است و اینکه خداوند فرموده است که مهریه ی زنان را اگر بسیار زیاد هم باشد بپردازید، دلالت بر آن دارد که برای تعیین مهریه حد و مرزی وجود ندارد. چرا که اگر غیر از این بود، خداوند پرداخت مهریه را تا حد معین واجب می فرمود و بدین صراحت مرد را از باز پس گیری مهریه ای که تعیین کرده صرف نظر از میزان آن منع نمی فرمود. دوم: روایات، در کتاب شریف وسائل الشیعه روایات متعددی موجود است که حکایت از عدم تحدید مهر می کند. به عنوان نمونه ذیلاً به دو روایت اشاره می شود:

روایت منقول از امام صادق بانی در مورد میزان مهریه: «ما تراضیا علیه من قليل او كثير فهو مهر»؛ «مهریه عبارت از آن چیزی است که بر آن تراضی شود کم باشد یا زیاد. (حرعاملی ۱۴۱۰، ج ۱۳، ص ۲۳۸).

روایت منقول از امام رضا عاتلاً: «لو أن رجلاً تزوج امرأة وجعل مهرها عشرين ألف وجعل لایبها عشرة آلافی كان المهر جائز و الذي سماه لأیبها فاسد»؛ «اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهریه ی وی را بیست هزار سکه قرار دهد و برای پدرش ده هزار، مهر زن صحیح بوده و آنچه برای پدر قرار داده شده

فاسد است).

قائلین به این نظر، استدلال فقهای دسته ی اول را رد کرده و اظهار می دارند روایت استنادی ایشان در غایت ضعف سند بوده و به دلیل احکام عجیب موجود در آن مورد توجه هیچ فقیهی قرار نگرفته است (نجفی ۱۴۱۴، ج ۳۱، ص ۱۴)

علی رغم اعتقاد اکثریت فقها بر محدود نبودن مهر ایشان به استناد احادیثی از معصومین، از جمله روایتی از امام باقر علی که فرمود:

«من برکه المراه قلت مهرها و من شؤمها کثرت مهرها»؛ «از برکت زن کمی مهر او و از شومی وی کثرت مهر اوست»

همچنین روایتی از حضرت رسول ص که فرمود:

افضل نساء امتی جیادا اقلهن مهر»؛ «بهترین زنان امت من زنانی هستند که کمترین مهر را دارند»

قائل به کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم هستند و تأکید می کنند بهتر است زنان با اتکاء به سنت حضرت رسول در تعیین مهریه سخت گیری نکنند. اما در هر حال در فقه امامیه میزان مهریه با محدودیت همراه نیست و طرفین می توانند هر میزان مهری که بخواهند برای زن تعیین کنند. (شریعه الاسلامیه و القانون قاهره، مکتبه الأزهريه، ج ۳ و ۵، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران دانشگاه تهران، ج ۱)

۱-۵) یافته های پژوهش:

در فقه امامیه دو نظر در خصوص مقدار مهریه جود دارد:

۱. مهر السنه؛ برخی معتقد اند که نه باید مقدار مهریه بیشتر از مهرالسنه یعنی همان

۵۰۰ درهم باشد.

۲. مهریه توافقی، اکثری فقهای شیعه عقیده دارند که برای مهریه حدی اکثری وجود

ندارد، بلکه هر قدر طرفین توافق کنند، آن را میتوان مقدار مهریه قرارداد. آیات قرآن

کریم و روایات در مورد جواز مهریه توافقی، مؤیده این مطلب است. (نقد و بررسی مهریه در لایحه حمایت از خانواده) نشریه مطالعات راهبری زنان، تهران، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان شماره ۴۸، سال دوازدهم، تابستان ۱۳۸۹).

۶) مقدار مهر در فقه اهل سنت:

آیات قرآن:

بر خلاف اینکه اقلیت فقهای شیعه به محدودیت مهریه قائل اند، در کلیه مذاهب اهل سنت فقها بر فقدان حداکثری مهریه متفق‌القول اند. همه فقهای اهل سنت معتقدند، نه تنها هیچ دلیلی نه در قرآن و نه در سنت بر محدودیت میزان مهریه وجود ندارد؛ بلکه دلایلی موجود است که به زوجین اختیار می‌دهد میزان مهریه را با تراضی به هر مقدار که مایل اند تعیین کنند (النوری، ۲۰۰۲: ج ۲۰، ص ۲۰؛ زحیلی ۲۰۰۰: ج ۳، ص ۱۲۳).

دلیل قرآنی ایشان همان آیه ی ۲۰ سوره ی مبارکه ی نساء است که اکثریت فقهای شیعه به آن استناد کرده اند و دلیل نامبردگان از سنت نیز روایتی از خلیفه ی دوم است که ایشان با دیدن زیاده روی مردم در تعیین میزان مهریه تصمیم گرفت میزان مهریه را مشخص و مقرر کند که هیچ کس حق تجاوز از این میزان را نداشته باشد تا اینکه امکان ازدواج آسان فراهم شود. هنگامی که مردم را به این امر دعوت کرد، زنی وی را مخاطب قرار داده و اظهار کرد: «تو در حالی که خداوند که می فرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آیتیم فنتارا فلا تأخذوا منه شیئا، تأخذونه بهتانا و اثما مبینا» را تلاوت می کنی، چنین حکمی را صادر کنی عمر با شنیدن این استدلال گفت: «عمر خطا کرد و این زن درست می گوید» (بدران: ج ۱، ص ۱۸۵؛ ابوزهره: ص ۱۸۹؛ ابراهیم بک و واصل ۲۰۰۳: ج ۳، ص ۱۵۱).

با این اوصاف فقهای اهل سنت نیز مانند فقهای شیعه به استناد روایاتی از حضرت رسول وی که فرمودند: «بهترین مهریه، کم ترین آن است» یا «با برکت ترین نکاح، کم مهر ترین آن است، بر استحباب کم بودن مهریه تأکید کرده و مهریه ی زیاد را مکروه می شمارند (ابوزهره: ص ۱۸۹).

مهریه و کابین از نظر شرع حد معینی ندارد، و هر چیزی که بتواند بهای کالا قرار گیرد خواه عین و ذات اشیاء یا منفعت باشد می‌تواند مهریه و کابین واقع شود. چون صحیحین (مسلم و بخاری) آمده است که پیامبر به مردی که می‌خواست ازدواج کند چیزی برای مهریه قرار دادن طلب کن حتی اگر یک انگشتر آهنی باشد؛ «گفت آن زن را به عقد نکاح و ازدواج تو درآوردم برن که» «سرانجام به آن مرد گفت و در آن دلیل است برای» مهریه اش آن باشد که مقدار قرآنی که می‌دانی به وی یاد دهی مبالغه در اندکی مهریه، و این که منفعت نیز می‌تواند مهریه واقع شود.

و در حدیث عامر بن ربیع آمده است که زنی از بنی فزاره ازدواج کرد و مهریه اش: «یک جفت کفش سرپایی بود به وی گفت: ای زن! راضی می‌شوی که یک، جفت کفش به تو بدهد، یعنی راضی هستی که زن وی بشوی و او یک جفت کفش به تو بدهد؟ آن زن گفت: آری. پیامبر آن را جاز دانست و حکم را تنفیذ کرد به (روایت ابن ماجه و ترمذی که گفته: حسن است).

۷) مقتضای اطلاق و عمومیات آیات در مورد مقدار مهریه:

مقتضای اطلاق و عمومیات آیات درباره مقدار مهریه چیست؟ درباره مقدار مهریه، آیات اطلاق دارند. در آیات به طور مطلق آمده است: مهریه زنان را بپردازید و حد و قیدی ذکر نشده است. چه بسا از اطلاق استفاده شود: با تعیین نکردن مقدار مهریه اراده دو طرف را در تعیین مقدار از جمله آیه ۴ سوره نساء داریم:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا»، «و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید!»

این آیه در مقام بیان وجوب پرداخت مهریه نسبت به تعیین مقدار و بیان کم یا زیادی آن اطلاق دارد.

در مقام استفاده و استنباط حکم شرعی از اطلاق، باید دیگر آیات و روایات را ملاحظه کرد که قیدی وارد شده است اطلاق را محدود کند یا نه؟ اگر چنین دلیلی بدست آمد اطلاق تقیید می گردد؛ وگرنه اطلاق قابل استناد می شود و به نبودن اندازه معین برای مهریه حکم می شود. راجع به تعیین مقدار مهریه، نه تنها در آیات دیگر قیدی وارد نشده است؛ بلکه بعضی آیات به نحوی بر محدود نبودن آن دلالت می کنند، از جمله: آیه ی ۲۰ و ۲۱ سوره نساء داریم: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا»؛ «و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می شوید؟!» «وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنِ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»؛ «و چگونه آن را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و (از این گذشته،) آنها (هنگام ازدواج)، از شما پیمان محکمی گرفته اند!»

۸) میزان مهریه دختران پیامبر (ص) و همسران ایشان

در منابع آمده که پیامبر (ص) چهار دختر بنام های زینب، رقیه، ام گلسوم و فاطمه زهرا (ع) داشته اند که در این قسمت مقدار و میزان مهریه آنها را مورد بررسی قرار می دهیم. (مجمع البیان ج ۴، ص ۵۷۸، سبل الهدی، ج ۹، ص ۲۹۱).

در کل تمام مهریه دختران پیامبر (ص) به یک مقدار معین بوده است، از همین رو به بررسی مهریه حضرت فاطمه (ع) می پردازیم. حضرت فاطمه داری خواستگارهای زیادی در بین صحابه بود، ولی پیامبر (ص) درخواست ازدواج آن ها را رد می کرد و دخترش فاطمه را به عقد نکاح حضرت علی در آورد. در بین خواستگارا افرادی همچون عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان، خواستگار فاطمه بودند که مهریه های بسیار بالای را پیشنهاد می کردند.

از انس بن مالک روایت شده، عبدالرحمن به خاطری ازدواج با حضرت فاطمه حاضر بود ۱۰۰ شتر سیاموی که همگی آنها محملی از جنس پارچه های مصری به همراه داشت به عنوان مهریه پیشکش کند ولی پیامبر (ص) از آنها روی گرداند، و منتظر ماند تا آنکه حضرت علی قدم پیش نهاد با آنکه فقیر بود، پیامبر (ص) پس از مشورت با دخترش در خواست او را پذیرفت. درخصوص میزان مهریه حضرت فاطمه در بین مؤرخان اختلاف است، زیرا برخی گفته اند که فقط زرهی بوده که حضرت علی در آستانه برپایی مراسم به فرمان پیامبر (ص) آن را فروخت و بهایش را نزد ایشان برد پیامبر (ص) نیز با آن پول برای دخترش جهیزه وسایل تهیه کرد. برخی دیگر علاوه بر زرهی به چیزهای دیگر اشاره نموده اند، و برخی مبلغ مهریه حضرت فاطمه را به سکه نقره رایج آن زمان بیان داشته اند.

۹-۱) نوع میزان مهریه حضرت فاطمه در منابع شیعه:

- ۱- کلینی (۳۲۸ ق) به اسنا مختلیف، از قول امام باقر و امام صادق (ص) نقل کرده: مهریه حضرت فاطمه لباس یمنی کهنه وزرهی بود و فروش خانه او پوست میشی که آنرا می انداختند و به روی آن می خوابیدند.
- ۲- شیخ طوسی (۴۶۰ ق) با واسطه حضرت علی نقل می کند که مهریه حضرت فاطمه زرهی حطمیه بوده است.
- ۳- برخی گزارشها مهریه آن حضرت را یک زرهی حطمیه به مبلغ سی درهم میدانند و شاهد مثال ایشان فرمایش امام صادق (ع) است که می فرمایند: پیامبر (ص) حضرت فاطمه را به یک زرهی حطمیه که ارزش آن به سی درهم میرسد تزویج نمود.
- ۴- در گزارش ازدواج امام جواد (ع) با دختری مأمون آمده است که امام، ام لفضل دختری عبدالله المامون را به عقدی خود درآورد، فرموده است که ام لفضل را با مهریه جده ام فاطمه (ع) دختری پیامبر (ص) که ۵۰۰ درهم بود، به عقدی خود در می آورم. (مناقب الابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۵: ابن جوزی، تذکره الخاص، ص ۳۰۶، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۵۵، بهارالنوار، ج ۴۳، ص ۱۲۷).

۹-۲) میزان مهریه حضرت فاطمه در منابع اهل سنت:

منابع حدیثی اهل تسنن، میزان مهریه حضرت فاطمه را مختلیف بیان نموده اند:

۱- ابن سعد (۲۳۰ق) اقوال متفاوت را در این رابطه ذکر می نمایند: از عبید الله بن موسی، از اسراییل، از جابر، از محمد بن علی باقر (ع) روایت نموده که کابین حضرت فاطمه بردی کهنه و پوست دباغی شده گوسفندی بوده است و همچنان از قولی سفیان بن عیینه از عمرو، از عکرمه نقل کرده که حضرت علی با یک زرهی آهنی آستین کوتا، حضرت فاطمه را به عقد خود درآورده است. ابن حجر (۸۵۲ق) این حدیث را مرسل اما صحیح السناد دانسته است.

ابن سعد به نقل از وکیع بن جراح از منذر بن ثعلبه از علباء بن احمر یشکر نقل کرده که حضرت علی حضرت فاطمه را به همسری گرفت « بعیر» شتری خودی را به ۴۸۰ درهم فروخت و بالا فاصله در ادامه به نقل از محمد بن فضل از یحیا بن سعد و از محمد بن ابراهیم روایت می کنند، که گفته است « کابین دختران و همسران حضرت ختمی مرتبط همواره ۵۰۰ درهم معال ۱۲/۵ اوقیه بوده است».

۲- عده ای معتقد اند که مهریه حضرت فاطمه فقط همان زرهی حطمیه بوده است.

۳- برخی نیز مهریه آن حضرت را برد کهنه میدانند « وزرهی حطمیه میدانند».

۴- بیهقی (۴۵۸ق)، مهریه ایشان را زرهی آهنی، و سبویی گرد (جره دوار) می باشد.

۵- سیوطی، (۹۱۱ق) می گوید که حضرت علی به عمری پیامبر (ص) زرهی خود را به ۱۲ اوقیه فروخت و آن را مهریه حضرت فاطمه قرار داد. (هراوقیه ۴۰ درهم بوده و مجموعه آن ۴۸۰ درهم میشود. صحیح، ج ۹، ص ۴۹: تبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۰۹، سنن، ج ۱، ص ۴۹۰، السنن الکبیری، ج ۸، ص ۲۱؛ مناقب، ص ۳۳۵، اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۷۷، الاصابه، ج ۴، ص ۳۶۵).

۹-۳) تحلیل مهریه حضرت فاطمه(ع):

حضرت علی برای تامین مهریه همسرشان وسیله را فروخت ولی معلوم نبوده چی چیز را به چی قیمت فروخت نظرواحد وجود ندارد، نوع و میزان مهریه حضرت فاطمه در منابع اهل تشیع و اهل تسنن متفاوت بیان شده. ولی با جرت گفته می‌توانیم که مقدار مهریه حضرت فاطمه از ۵۰۰ درهم بالاتر نبوده است. حال ممکن است ۵۰۰ درهم نقره یا زره یا نقره و چیزی یگری هم بوده است. هرچند ظاهراً در بهای آن اختلاف وجود دارد، اما این اختلاف قیمت قابل توجیه می باشد ولی صرف از نظری برخی اختلافات، اکثری آنان معتقد به ۵۰۰ درهم معادل ۲۶۲ مثقال صیرفی نقره خالص می باشد. (مذهب الالکام فی بیان الحلال الحرام، نجف، مطبعه الاداب، چاپ ۱۳۹۶، ۲۹ق).

۱۰) تعیین میزان مهریه بالخصوص در جانب کثرت آن، منوط به تراضی دوطرف در اسلام:

۱۰-۱) میزان مهر با قید یاد شده از دیدگاه فقها:

از جمله مباحث مهم در مهریه میزان و مقدار آن در حقوق اسلامی است به طوری کلی در میان فقها، دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد:

الف: کسانی که در طرف زیادت، میزان خاص برای مهر تعیین نکرده اند، اما در جانب قلت و کمی، کمیت خاص همانند ده درهم، سه درهم یا ربع دینار، برای مهر تعیین کرده اند. این دیدگاه مختص برخی فرق عامعه است و در میان امامیه قائل ندارد (الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۹۳. المذاهب الاربعه، ج ۳، ص ۴۰۹).

ب: در مقابل عده دیگری، پابندی به مقدار مهر خاص را (مقدار مهر السنه ۵۰۰ درهم) در جانب زیادت الزامی دانسته اند، ولی در جانب قلت و کمی حدی برای آن قائل نیستند و هر چیزی که مالیات داشته باشد شاید مهر قرارداد شود (التتصارفی انفرادات الامامیه، قم، النشر الاسلامی، ج ۵، ۱۴۰).

- در مقابل قول اول مشهور فقها به چنین الزامی قایل نیستند و تعین مهرالسنة را صرفاً عملی استحبابی میدانند و تلقی کرده اند (العا ملی، ۱۴۲۱: ۱۶۶، النجفی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۱، الطوسی، ۱۳۸۷)، در اصطلاح فقهی به مقدار مهری که پیامبر (ص) برای همسران و دختران خویش تعین فرمودند و کمیت آن به شهادت روایات متعدد، ۵۰۰ درهم بوده است { مهرالسنة } می گویند. روایات در این مورد زیاد است که به چند نمونه اشاره می شود: امام صادق (ع) به نقل از پدرش امام باقر (ع) در این زمینه می فرمایند: ما زوج رسول الله (ص) شیاً سائر من نساء علی اکثر من اثنتی عشرة اوقیه و نش والاقیه اربعون والنش عشرون درهما}. رسول الله (ص) هیچ یک از دختران و زنان خود را به مهریه بیش دوازده اوقیه و یک نش تزوج نکردند، مقدار اوقیه چهل و مقدار نش بیست درهم در مجموع ۵۰۰ درهم است. (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۴۸: ۲۱) راجع به اندازه مهر در فقه نظریه مشهور این است که تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است و مقید به حد و قیدی جز اراده طرفین نیست. میزان مهر از حیث حد اقل هیچ محدودیتی ندارد و تنها لازم است آن چه که مهر قرار داده می شود مالیت داشته باشد و شرعاً بتواند به ملکیت مسلمان درآید و در جانب زیادی هم نامحدود است.

۱۰-۲) الف: استحباب تقلیل مهریه:

گفته شد مقدار مهر به تراضی دو طرف بستگی دارد. البته ممکن است تراضی بر مهریه های سنگین بر انگیزه های معقول و خرد پسند استوار نباشد. بدیهی است اگر مهر سنگین شود رغبت جوانان به ازدواج کم می شود و این امر باعث کثرت مفاسد است. عقل حکم می کند مهر کم باشد، هزینه های ازدواج سبک گردد و تشریفات از میان رود تا جوانان به سهولت بتوانند ازدواج کنند و گناه کم شود. از این رو بحث استحباب تقلیل مهریه به میان می آید. در کلام فقهاء این مطلب بدون اختلاف نظر آمده است. (مسالك الافهام، ج ۸، ص ۹۹) و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت دارند.

محمد بن مسلم: از أبي عبد الله عليه السلام فرمود: «من بركة المرأة خفة مؤنتها (وتيسير ولدها) (وتيسر ولدها)، ومن شومها شدة مؤنتها وتعسير ولدها (ولادتها).»؛ «از برکت زن سبک بودن مؤنة و آسان زائیدن اوست و شومي اش زيادي مخارج و سخت زائي اوست. »
در این روایت از برکت زن سبکی مؤنة و خرج اوست تنها مهر مطرح نیست بلکه تعبیر آمده است که مفهوم عامی دارد و یکی از مهمترین مؤنه های زن مهر اوست. عمل پیامبر در تقلیل مهر زنان خود و دخترانش دلیل بر استحباب است و این که از نظر شریعت مقدس اسلام؛ قلت مهر امری مطلوب است.

۱۰-۳) ارزیابی روایات معارض:

صاحب وسایل گفته است: از محمد بن الحسن شیخ طوسی در کتاب المسبوط آن طور که نقل شده آنکه روی آن عمر تزوج أم کلثوم بنت علی «علیه السلام» فأصدقها أربعين ألف درهم. این روایت می گوید: خلیفه دوم، ام کلثوم دختر علی «علیه السلام» را خواستگاری کرد و چهل هزار درهم مهر قرار داد و در روایت ندارد که علی «علیه السلام» نپذیرفت. (ح ۲، باب ۹ از ابواب مهمور)

جواب: این روایت از نظر سند مرسله است علاوه بر این در مورد ازدواج ام کلثوم با عمر اصل مسئله محل بحث است. همین مضمون در روایت زیر هم آمده است.

أبی القاسم بن قولویه از عیسی بن عبدالله الهاشمی: خطب عمر بن الخطاب و ذلك قبل أن يتزوج أم کلثوم بیومین وقال: یا ایها الناس لاتغالوا بصدقات النساء فإنه لو كان الفضل فیها لكان رسول الله (صلی الله علیه وآله) یفعله.... ثم نزل عن المنبر فما أقام إلا یومین أو ثلاثة حتی أرسل فی صداق بنت علی أربعین ألفاً. (وسائل ح ۵ باب ۹ از ابواب مهوور.)

در این روایت خلیفه دوم می گوید: در مهر زنان غلو نکنید اگر این کار فضیلت داشت رسول الله (صلی الله علیه وآله) چنین می کرد. دو سه روز بعد وی صداق دختر علی «علیه السلام» را چهل هزار درهم مهر قرار داد در این روایت نیامده که علی «علیه السلام» نپذیرفت.

این روایت که از دو جهت ارسال دارد و سند معتبری ندارد و نمی توان به آن اعتماد کرد. یکی ای نکه: ابن قولویه از رجال امام صادق «علیه السلام» و وفات امام صادق «علیه السلام» در نقل کند چون زمان این دو به «عیسی بن عبدالله» سال ۱۴۸ است. پس ابن قولویه نمیتواند از [عیسی بن عبدالله] نقل کند چون زمان این دو بهی خورد، پس مرسله است گرچه در ظاهر مسند است. و دیگر این که، عیسی بن عبدالله در زمان عمر نبوده است و قطعاً از کسی شنیده است پس ارسال دیگر هم در اینجا است. علاوه بر این اصل چنین ازدواجی مشکوک است، و بعضی از بزرگان این داستان را ساختگی می دانند.

۲- شیخ طوسی در مبسوط گفته است: و تزوج الحسن (علیه السلام) امرأة فأصدقها مائة جاریه مع کلّ جاریه الف درهم (ح. ۳، باب ۹ از ابواب مهو). این روایت هم سند ندارد و می گوید: حضرت حسن (علیه السلام) زنی را تزویج کرد و صد کنیز و همراه هر کنیز هزار درهم مهر آن زن قرار داد. در مورد این روایت تصور این است که این مسائلی که به حضرت حسن (علیه السلام) نسبت می دهند مجعولات زمان معاویه است که برای خراب کردن چهره حضرت حسن (علیه السلام) چنین نسبتهایی به آن حضرت می دهند، مثلاً میگویند کثیر الزواج بوده اند و یا کثراً طلاق می دادند.

۱۰-۸) جمع بین دو دسته روایت:

برفرض اعتبار این روایات با روایات مهرالسنة تعارض داشته باشد، می توان بین دو طائفه از روایات جمع نمود:

هم جمع دلالتی و هم اعمال مرجحات متصور است. اما جمع دلالتی به این بیان که اینها برای این است که بفهمانند این کار حرام نیست و برای اثبات جواز است. و اما اعمال مرجحات هم به این است: روایات مهرالسنة مشهور و دسته دیگر شاذ و نادر است و آن دسته شاذ، کنار گذاشته می شود.

نکته: ممکن است مهریه را اولاً مهرالسنة و ثانياً پانصد سکه بهار آزادی قرار دهند، در این صورت به مستحب عمل شده؟ روشن است که نه، چرا که باید کل مهریه پانصد درهم باشد نه قسمتی از آن.

اشکال: در مهریه مربوط به حضرت جواد (علیه السلام) چنین چیزی دیده می‌شود. چرا که حضرت مهرالسنة را بعلاوه يك چیز اضافی مهر قرار دادند. (این حدیث در وسائل نیامده، ولی در من لایحضره الفقیه آمده است، صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ح ۴۳۳۹)

پاسخ: امام در اینجا مهریه را فقط مهرالسنة و اضافه را نحله و بخشش قرار داد و جزئی مهر نبوده است. بعضی فقیهان متذکر این نکته شده‌اند: اگر در صورت إرادة زاید بر مهر السنة احتیاط شود و صداق را مهر السنة و زاید بر آن را نحلة «بخشش» قرار ده، خوب است چرا که به امام جواد علیه السلام (تأسی شده است). ایشان با دختر مأمون چنین کردند و فرمودند: آن چه به عنوان صداق ب ل کردم همان است که رسول الله «صلی الله علیه وآله» برای همسران خود دادند یعنی (بیهقی، ج ۷، زنان نامدار، ج ۳؛ ص ۱۳۶)

از آنچه نقل شد معلوم می‌شود:

۱- مستحبات است، مهر کم باشد

۲- زیادی مهر مکروه است

۳- سختگیری در مهر، منجر به کینه در دل می‌شود.

۴- از وجوه شومی زن، کثرت مهر اوست

۵- از مبارکی زن، کمی مهر اوست.

نتیجه گیری

با بررسی و استدلال در آیات قرآن و نظریه های علمای اهل تشیع و تسنن به این نتیجه می رسیم که اقسام مهریه، در فقه تشیع به سه نوع مهر مسمی، مهر مثل و مهر متعه اما در فقه اهل تسنن به پنج نوع مهر مسمی، مهر مثل، مهر متعه، مهر معجل و مهر مؤجل تقسم شده اند. میزان مهریه در شرع مقدس اسلام تعیین و تقدیر نشده و تعیین آن در اختیار زن و مرد است، پس هر اقدام در زمینه تعیین سقف برای مهریه از حیث کمی و زیادی از این منظر مخدوش خواهد بود چون در دین مقدس اسلام مقدار مهریه معین نشده است و تاکید بر معین بودنش نیست.

میزان مهریه در شرع مقدس اسلام تعیین و تقدیر الزامی نشده و از نظر کثرت اندازه ای ندارد. قرار دادن مال فراوان به عنوان مهریه به زن مجاز است معیار در تعیین مقدار صداق با لحاظ عرف، تراضي دو طرف است. ترغیب به وضع مهریه های پایین به عنوان يك اصل مسلم مورد عنایت اسلام بوده است مقدار مستحب مهر پانصد درهم از باب ذکر مصداق و متعارف زمان است. برای میزان استحباب سقفی معین نمی باشد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه (جلد ۳) دارالکتب الاسلامیه، ص. ۲۶۵.
- ۳- محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده (۱۳۹۳)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفدهم.
- ۴- گرجی، ابوالقاسم و همکاران، ۱۳۸۴. بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱.
- ۵- یوسف زاده، مرتضی، حقوق مدنی خانواده (۱۳۳۵)، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- ۶- محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده (۱۳۹۳)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفدهم.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق (۱۹۹۴)، تهران، گنج دانش، چاپ بیست و هفتم.
- ۹- عدالتخواه عبدالقادر، حقوق فامیل جلد دوم، چاپ سوم، ۱۳۹۶، ه. ش، کابل - چهارهی دهن باغ. (انتشارات بین المللی سروی سعادت).
- ۱۰- سابق سید، فقه السنه. مترجم: دکتر ابراهیمی محمود ابراهیمی فق سنه سنندج شهریور ۱۳۸۶.
- ۱۱- مولوی طاهری حفیظ الله و مولوی موحدی غلام احمد خلاصه مسایل فقه حنفی، ص ۲۳.
- ۱۲- بوزهره، محمد، ۱۹۸۵. الأحوال الشخصی، ه قاهره، العاده وج.
- ۱۳- جلالی سید «مهدی نقد و بررسی مهریه در لایحه حمایت از خانواده» نشریه مطالعات راهبری زنان، تهران، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان شماره ۴۸، سال دوازدهم، تابستان ۱۳۸۹.
- ۱۴- سیدمرتضی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰. الإنتصار بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۵- محقق حلی شرایع الاسلام، منشورات الاعلمی، تهران، ۱۳۸۹ ه. ش.
- ۱۶- نجفی، شیخ محمد حسن جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارا حیاء التراث العربی، ط. ۷، بیروت لبنان.
- ۱۷- بحرانی، یوس «ف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بیثا،
- ۱۸- الهدایه، قم، مؤسسه امام هادی (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۹- ابن زهره، حمزه بن علی، غنیة النزوع إلى علمی الاصول و الفروع، قم، امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

- ۲۰- مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامي، چاپ اول،
- ۲۱- الهداية، قم، مؤسسه امام هادي (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۲- ابن بابويه، علي، الفقه المنسوب للإمام الرضا (ع)، مشهد، المؤتمر العالمي للإمام الرضا (ع)، چاپ اول،
- ۲۳- طباطبائي حكيم، محمد سعيد، حواريات فقهيه، محمد سعيد حكيم، بيجا، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۴- طباطبائي كربلاني، علي بن محمد علي، رياض المسائل في بيان الاحكام الشرع بالدلائل، قم،
- ۲۵- طبرسي، مجمع البيان ج ۴، ص ۵۷۸. سل الهدى، ج ۹، ص ۲۹۱.
- ۲۶- اربلي، علي بن عسى، كشف الغمة في معرفة الامية، قم، دارالمعرفة، بی تا.
- ۲۷- ابن هبان، صحيح، ج ۹، ص ۴۹: تبراني، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۴۰۹، ابوداود، سنن، ج ۱، ص ۴۹۰ طوسى، المالى، ج ۱، ص ۱؛ خوارزمى، مناقب، ص ۳۳۵؛ ابن حجر، الاصابة، ج ۴، ص ۳۶۵.
- ۲۸- جرد. [ج] (ع ص، ۱) جامعه كهنه فرسوده (منتهى ارب).
- ۲۹- بيقى، السنن الكبيرى، ج ۸، ص ۲۱؛ ابن اثير، اسد الغابة، ج ۴، ص ۳۷۷.
- ۳۰- سبزواري، عبدالاعلى مذهب الالكلام فى بيان الحلال الحرام، نجف، مطبعه الاداب، چاپ ۱۳۹۶، ۲۹ ق
- ۳۱- النجفي، الشيخ محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، تحقيق: محمود القوجاني، الناشر: دار احياء التراث العربي، ثلاثه و أربعون مجلداً، بيروت.
- ۳۲- الكليني الرازي، ثقة الاسلام أبي جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، صححه وعلق عليه
- ۳۳- علي اكبر الغفاري، و نهض بمشروعه: الشيخ محمد الآخوندي، الناشر: دار الكتب الاسلاميه، طهران، ثمانيه مجلدات.
- ۳۴- الشهيد الثاني، زين الدين بن علي العاملي، مسالك الافهام إلي تنقيح شرائع الاسلام، تحقيق و نشر: مؤسسه المعارف الاسلاميه، خمسه عشر مجداً، قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۶ ق.
- ۳۵- بي نا، سنن بيهقي، ج ۷، بي جا، بي تا